

هویت شهروندی در بافت قدیم و جدید شهر کاشان

محمد گنجی^۱، محسن نیازی^۲، فاطمه برزگر^۳

چکیده

زندگی اجتماعی افراد و هویت آنان به عنوان شهروند، به دلیل بقا و دوام جامعه بوده و ضرورتاً هویت اجتماعی بر هویت افراد برتری دارد. در این تفکر، شهروندی به معنای عضویت کامل در جامعه و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد؛ به گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسؤولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و جامعه را دنبال می‌کنند.

پژوهش حاضر وضعیت هویت شهروندی را در بافت قدیم و جدید شهر کاشان و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار می‌دهد. به منظور اجرای این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده و با تکیه بر مطالعات اکتشافی، ابعاد مسأله تحقیق مشخص و بر مبنای آن پرسشنامه محقق ساخته تنظیم گردیده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۶۰ نفر تعیین شده و انتخاب نمونه‌ها بر اساس تکنیک نمونه‌گیری، سهمیه‌ای بوده است. نتایج توصیفی تحقیق حاکی از آن است که میانگین هویت شهروندی و همچنین پیوند اجتماعی در بین مردم بافت قدیم بیشتر از بافت جدید است و اعتماد اجتماعی در هر دو بافت در حد متوسط بوده است. بین هویت شهروندی و پیوند اجتماعی و همچنین اعتماد اجتماعی در هر دو بافت رابطه مستقیم وجود دارد. بین هویت شهروندی و میزان تحصیلات در بافت جدید و قدیم رابطه منفی وجود دارد؛ هرچند این رابطه در بافت جدید دارای شدت بیشتری است. در نهایت و از طریق رگرسیون در بافت قدیم، پیوند اجتماعی و دریافت جدید پیوند اجتماعی و تحصیلات، بیشترین اثر را بر هویت شهروندی داشته است.

واژه‌های کلیدی: هویت، شهروندی، هویت شهروندی، بافت شهری، هویت جمعی

M545_G@yahoo.com

niazim@kashanu.ac.ir

SS_Barzegar1366@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۲۳

۱- استادیار علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

۲- دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

تاریخ وصول: ۹۱/۷/۱۲

شرح و بیان مسأله پژوهش

شهر بزرگترین مجموعه‌ای است که انسان در جریان زندگی روزمره‌اش، به ظاهر آن را حس می‌کند و به توسعه و ثبات زندگی‌اش می‌پردازد و در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی خود به تلاش و تکاپو مشغول است. در این عرصه چیزی به نام هویت شکل می‌گیرد. هویت تعریفی است که فرد از خود و وجود خود می‌کند و به پرسش‌هایی چون چیستم و چه می‌خواهم پاسخ می‌دهد و از طریق هویت، نوعی هماهنگی و انسجام به ابعاد شخصیت خود می‌بخشد و از نظر روانی و رفتاری در زمان و مکان موضع‌یابی می‌کند. از مهمترین کارکردهای هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است (عبدلی، ۱۳۸۶: ۲۱).

شهروند یعنی اشخاصی که صاحب حق حاکمیتند و در پرتو این حق، چگونگی اداره جامعه را از طریق قراردادی که به آن قانون اساسی گفته می‌شود، تعیین می‌کنند و به موجب این قرارداد، گروهی را از بین خود برمی‌گزینند و زمام اداره جامعه را برای مدتی معین به آنان می‌سپارند (ابراهیم زاده و نگهبان مروی، ۱۳۸۵: ۱۰) و شهروندی پدیده‌ای است که در جوامع مردم‌سالار رخ می‌دهد و هویت شهروندی مفهومی نسبتاً جدید است که با ایجاد جوامع شهری بویژه در دهه‌های اخیر به وجود آمده است. از پیامدهای توسعه شهری، شکل‌گیری شهروندی و به تبع آن هویت شهروندی است. شهر خوب نیازمند مردمی فعال و انتقادی است. در مرحله اول مردم باید خود را شهروند بدانند و احساس تعلق به شهر داشته باشند که این باعث می‌شود پایبندی افراد به فرهنگ شهری خود بیشتر شود و حقوق و وظایفی شکل گیرد که رعایت این حقوق و وظایف باعث انسجام جامعه می‌شود.

اعتماد و مشارکت اجتماعی از دیگر شاخص‌های هویت شهروندی است و تا در بین شهروندان شکل نگیرد شهر به توسعه نخواهد رسید. تا مسؤولان شهر این فرصت‌ها را به شهروندان ندهند استعداد‌های بالقوه شهروندان در خفا باقی خواهد ماند و مسؤولان نخواهند توانست از این ظرفیت‌های بالقوه برای توسعه و شکوفایی شهر بهره‌ای ببرند.

هر شهر دارای هویتی است که آن را از دیگر شهرها متمایز می‌کند و از آنجا که عوامل مختلفی در شکل‌گیری هویت انسان تأثیر دارد، می‌توان به هویت‌های مختلف شهری نیز اشاره داشت. از آنجا که زندگی کردن در یک مجموعه باعث می‌شود افراد آن مجموعه دارای ویژگی‌ها و عادات مشترکی شوند و هویت مشترکی پیدا کنند. شکل‌گیری هویت در بافت قدیم و جدید ویژگی‌های متمایز و مختص به خود را پیدا کرده و هر بافت هویت خاص خود را پیدا کرده است؛ بنابراین در بررسی هویت شهری باید به طور موازی به بررسی هویت در هر دو بافت شهر پرداخت.

مهمترین مسأله پژوهش حاضر میزان تأثیر عوامل اجتماعی در افزایش و کاهش هویت شهروندی در بافت قدیم و جدید در شهر کاشان می‌باشد. بررسی ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت شهروندی، مطالعه پیوند اجتماعی و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت شهروندی، مطالعه اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت شهروندی، بررسی و مطالعه نقش عملکرد خانوادگی در شکل‌گیری هویت شهروندی، مطالعه و شناخت عوامل فردی و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت شهروندی، از جمله سؤالات و همچنین اهداف دیگر این مطالعه هستند.

پیشینه و مبانی نظری

در منابع زیادی به موضوع هویت و شهروندی به طور مجزا پرداخته شده اما پژوهش‌هایی که در آنها به پدیده هویت شهروندی به طور کامل پرداخته شود بسیار محدود است که با توجه به اهدافی که مورد نظر مؤلفان بوده به بررسی جزئی از این پدیده پرداخته شده است. در پژوهش‌هایی که در زمینه معماری به پدیده هویت پرداخته شده، هویت را صرفاً در ارتباط با بافت فیزیکی شهر مورد بررسی قرار داده و عوامل اجتماعی را نادیده گرفته‌اند و پژوهش‌های دیگر که در زمینه جامعه‌شناسی صورت گرفته، به پدیده هویت و شهروندی به طور مجزا پرداخته شده است.

برخی از پژوهش‌هایی که توسط رشته‌های معماری و شهرسازی صورت گرفته بر بافت فیزیکی شهر تأکید زیادی داشته است مانند تحقیقی که توسط غلامرضا لطیفی با عنوان

«شهر مجازی و هویت شهری» صورت گرفته و گسترش وسایل ارتباطی و اطلاعاتی را باعث تغییرات جدیدی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در زندگی انسان دانسته است. نویسنده در این مقاله کوتاه در پی آن بوده تا با بررسی اجمالی، هویت شهری در ساخت شهرهای اسلامی و تغییرات حاصله را در شهرهای مجازی امروزی، بیان نماید. پژوهش دیگری با عنوان بررسی هویت شهری در بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی شهرگور- فیروزآباد) توسط اکبر کیانیو و دیگران در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته که نویسندگان در بهسازی و نوسازی شهرها، بافت‌های تاریخی را به عنوان هویت و تبلور فرهنگ شهری، مورد تأکید قرار می‌دهند. در تمام تحقیقات صورت گرفته از این نوع، شاخص‌هایی که برای سنجش هویت شهروندی در نظر گرفته شده، بیشتر در ابعاد زیست‌محیطی و کالبدی- فضایی بوده است و جنبه‌های اجتماعی و مردمی را نادیده گرفته‌اند. در حیطه علوم انسانی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است؛ در پژوهشی با عنوان عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران که توسط ملیحه شیانی و محمدی در سال ۱۳۸۹ انجام شده، هویت شهروندی نوعی تمایز و بازشناسی خودها در معنای شهروند بودن تعریف شده که دارای بعد تاریخی نیز هست. یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت شهروندی در شکل غالب در حد متوسط است و در میان ابعاد هویت شهروندی، ارزیابی از هنجارهای دموکراتیک، تعهد مدنی و برخورداری از حقوق شهروندی به ترتیب پایین‌ترین مقادیر را در بین پاسخگویان داشته‌اند و در پایان مطرح شده که برای ارتقا و افزایش هویت شهروندی باید هویت‌های جمعی و تعلقات عام‌گرایانه را تقویت کند و در بعد روابط حکومت و شهروندان باید به ارتقا و بازسازی اعتماد مردم به مسئولان همت گمارد. در پژوهشی دیگر با عنوان هویت شهروندی و راهکارهای ارتقای آن در شهر تهران که توسط جمال رشیدی و دیگران در سال ۱۳۹۱ انجام شده، نویسنده به دنبال آن بوده تا نشان دهد، هویت شهروندی در تعامل با دیگر انواع هویت‌های فردی و جمعی می‌تواند زمینه‌های اجتماعی، اعتماد و احساس تعلق خود را آشکار سازد که در میان ابعاد هویت شهروندی، ارزیابی از «هنجارهای دموکراتیک»، «تعهد

مدنی» و «برخورداری از حقوق شهروندی» به ترتیب پایین‌ترین میزان را در بین پاسخگویان به خود اختصاص داده‌اند.

باید توجه داشت که در تحقیقات صورت گرفته در علوم انسانی نیز عمدتاً به بعد اجتماعی توجه شده و بعد کالبدی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ از سویی پژوهش‌های انجام شده صرفاً در یک شهر صورت گرفته و همه مردم شهر یکسان در نظر گرفته شده‌اند؛ اما در پژوهش حاضر با توجه به قدمت سکونت در شهر و مهاجرت‌های صورت گرفته، شهر را به دو قسمت بافت قدیم و بافت جدید تقسیم کرده است و بسیاری از شاخص‌هایی که در پژوهش‌های انجام شده نادیده گرفته شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

شهروندی

آغازگر طرح مفهوم شهروندی ارسطوست. وی با تعریف شهروند به عنوان فردی که به مثابه یک موجود سیاسی - اجتماعی در امور جامعه‌اش مشارکت دارد و از طریق این مشارکت قادر است تا هستی اجتماعی - سیاسی‌اش را تحقق بخشد، واضع نظریه شهروندی پیشامدرن (کلاسیک) محسوب می‌گردد (فالکس، ۱۳۸۱؛ ۳۶-۳۵). ارسطو اصل شهروندی را با اقامت فیزیکی در قلمرو یک حکومت یکی نمی‌داند زیرا بیگانگان و بندگان نیز مقیم شهر می‌باشند؛ بنابراین آنچه می‌تواند به مثابه شهروندی تلقی شود، حق شرکت در تصمیم‌های دولت و صلاحیت اعمال حاکمیت دولت است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲).

در فلسفه‌های سیاسی ماکیاول، هابز^۱، روسو^۲، کانت^۳ و... رگه‌های تئوریک اولیه از مفهوم شهروندی مدرن ارائه شده است. کانت اعضای تشکیل دهنده یک جامعه را که برای قانونگذاری با یکدیگر متحد شده‌اند، شهروند می‌نامد؛ بنابراین شهروند مورد نظر کانت، دارای خصایص ویژه‌ای است: اولاً قانون وضع می‌کند، ثانیاً او دیگر تابع نیست

1- hobbes
2- Roso
3- Kant

بلکه عضو یک جامعه محسوب می‌شود و ثالثاً این اعضا، تشکیل‌دهنده یک جامعه و در نتیجه سردرگم و بی‌هدف نمی‌باشند بلکه همگی آنها متحدند، به طوری که گویی هدف خاصی را در وضع قانونگذاری خود دنبال می‌کنند. کانت معتقد است شهروندان دو گونه‌اند: ۱- فعال ۲- منفعل. در جامعه مدنی از نظر کانت تنها شهروند فعال است که حق رای دادن دارد و شهروند منفعل فاقد این حق می‌باشد (خراسانی، ۱۳۷۶: ۳۸۲). کانت معتقد است شهروندان منفعل می‌توانند با کوشش و تلاش خود به مرتبه شهروند فعال ارتقا یابند و از طرفی قوانین جامعه مدنی نیز باید طوری تنظیم شوند، تا مخالفتی با این ارتقا نداشته باشند.

جامعه‌شناسان کلاسیک، به نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی قائل هستند که منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی می‌شود. در زمینه شهروندی میان جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر تفاوتی وجود دارد. جامعه‌شناسان اولیه غالباً بین شهرنشینی و شهروندی تفاوتی قائل نشده‌اند اما معاصران از شهروند به عنوان انسان مدنی یاد کرده‌اند که توانسته معیارها و ملاک‌های یک شهروند را به طور کامل در خود نهادینه کرده و به همه وظایف و اختیاراتی که یک کشور باید داشته باشد، آگاه و خود را ملزم به رعایت آنها می‌داند. آنها شهروندی را با محل سکونت و ساکن شدن در شهر معادل ندانسته و معتقدند یک شهروند انسانی مدنی است که ممکن است در محیط شهری زندگی نکند اما خصوصیات و تمایلاتش از او یک شهروند ساخته است.

تحلیل تاریخی - جامعه‌شناختی «توماس مارشال» نقطه شروعی کلاسیک برای مبحث شهروندی است. اندیشه‌های او تا حد زیادی محصول زمان و مکانش بودند، چرا که او در اوج خوش‌بینی مربوط به دولت رفاه پس از جنگ در بریتانیا قلم می‌زد (ابوالحسنی، ۱۳۸۶: ۶). به نظر مارشال، شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام‌عیار اجتماع خود هستند داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه، حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق و وظایف شهروندی موجب

قانون تثبیت و حمایت می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۹). هابهاوس، جامعه‌شناس اظهار می‌کند که اتباع یک حکومت به صورت شهروندان یک کشور درآمده‌اند و شهروند حقوقی دارد که اهمیت آن‌ها کمتر از وظایف او نیست. خصوصیت اصلی کشوری که بر پایه شهروندی استوار است این است که حاکمیت قانون را برقرار سازد. شهروندی در اصل به معنای عضویت در یک ملت-دولت خاص بوده که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۱۱).

ایسین و پاتریساوود در بررسی نظری خود از مطالعات مارشال در زمینه تکامل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی فراتر رفته و برای شهروندی جنبه‌های دیگری چون حقوق فرهنگی (اقوام، ادیان و مهاجران) و جنسیتی (حقوق هم‌جنس‌بازان، دوجنسی‌ها و...) را نیز مهم دانسته و مسائل دنیای مدرن در حوزه‌های تکنولوژیک، اکولوژیک و فرهنگ جامعه مصرفی را در چارچوب مطالعات شهروندی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند.

(Isin&Wood, 1999)

از نظر ترنر نیز شهروند دارای منابع مهم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد. ترنر به دو اصل تفاوت‌پذیری (تقسیمات جنسیتی، نژادی و طبقات اجتماعی) و انسجام مورد نظر برخی جامعه‌شناسان اشاره می‌کند که آن را سامان‌دهنده جوامع می‌داند. از نظر ترنر افراد با شهروند شدن هویتی کسب کرده و دارای فضیلت مدنی می‌شوند؛ یعنی تعلقات و وابستگی نسبت به اجتماع سیاسی پدید می‌آید (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۸).

از نظر پارسونز، باید برای دستیابی به هویت عام شهروندی، هنجارهای عام را در قالب فعال‌گرایی، عام‌گرایی، آزادگی، مساوات‌طلبی و معیارهای اکتسابی گسترش داد؛ بنابراین در گذار از جوامع سنتی به مدرن تغییراتی در جهت تحقق شهروندی در سطوح فردی و ساختاری پدید می‌آید (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۹). از دیدگاه پارسونز اجتماع جامعه‌ای، مقوله‌ای از تعهد اعضا به یکدیگر و جمعی است که در آن گرد آمده‌اند. در اندیشه پارسونز در حوزه شهروندی ابتدا تأکید بر حفظ دموکراسی بر ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار جامعه و استمرار پیاپی آن در حوزه زندگی اجتماعی تأکید شده است.

هابرماس^۱ شهروندی را در رابطه با اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی چه با یک دولت ملی هم‌مرز باشد و چه نباشد تحلیل می‌کند. از نظر وی در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند و در نقش شهروندی، فرد به عنوان عضو تمام متعهد به جامعه خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است و دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می‌دهد (امانیان و هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۱۰).

از نظر پوپر^۲ نیز مفهوم شهروندی خود به خود و به واسطه تجمع افراد در کنار یکدیگر ایجاد نمی‌شود بلکه باید نهادهایی متکفل ایجاد این احساس باشند؛ نهادهایی مثل انتخابات، تأمین اجتماعی، مالیات یا رسانه‌ها می‌توانند چنین هویتی را ایجاد کنند (اسکافی، ۱۳۸۵: ۶). وی معتقد است که در فرهنگ جامعه دموکراتیک و مدنی، شهروند انسانی آزاد و مختار است که فقط در میان یک جمع زندگی نکرده است، بلکه با آن جمع که خود را شهروند آن فضای حاکم می‌داند، یک جامعه را شکل می‌دهد و به وسیله پیوند با یکدیگر ارتباطات متنوعی دارند که این مسأله باعث تحکیم و بسط فرهنگ شهروندی در کنار حوزه‌های آموزشی چون خانواده و آموزش و پرورش، فضاهای اجتماعی و فرهنگی در جای جای شهر شده است (باقریان، ۱۳۹۰: ۴۷).

از آنچه گفتیم می‌توان چنین نتیجه گرفت که در واقع شهروندی در سه سطح مطرح می‌شود که منزلت و حقوق و هویت سطوح سه‌گانه آن را تشکیل می‌دهد. در سطح اول، شهروندی به مثابه منزلت است که عضویت در یک جایگاه و ایفای نقش مورد انتظار در اجتماع را توضیح می‌دهد، در سطح دوم، شهروندی در بعد حقوق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که بیانگر ظرفیت‌ها و مصونیت‌هایی است که با منزلت ارتباط دارد و در سطح نهایی، شهروندی به مثابه هویت مطرح می‌شود که حاکی از جنبه‌های رفتاری کنش فردی در برابر جامعه و درک این مطلب است که فرد بخشی از جامعه را تشکیل می‌دهد

1- habermas

2- poper

(رشیدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴).

هویت و هویت شهروندی

هویت از نظر لغوی در فرهنگ زبان فارسی عبارت است از آنچه موجب شناسایی شخص یا چیزی می شود (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۱۷). در جامعه‌شناسی هویت تابعی از وسعت و نفوذ ارزشها و هنجارهای گروه و جمع می باشد؛ بدین معنا که هویت معمولاً در نگرشها و احساسات افراد نمود یافته و شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی دیگران، معنایی ندارد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۳). بدیهی است که تبیین خویشتن به صورت موجودی متزع از دیگران امکان پذیر نیست زیرا انسان به عنوان یک موجود اجتماعی مجبور است گروهی عمل کند و به دلیل نیاز به برقراری ارتباط با سایر افراد، نمی تواند بدون کمک دیگران خود را بیابد و احراز هویت نماید. بر این مبنای، دستیابی به هویت شخصی نیز تابع یک فرایند اجتماعی است (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۶۷). بنابراین گذشته از سطح فردی، هویت در سطح بالاتر و عامتر به مفهوم هویت جمعی نیز مطرح است و منظور از آن حوزه‌ای از حیات است که فرد، خود را با ضمیر «ما» متعلق و منتسب بدان می داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می کند (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

مید بر آن بود که فرد از طریق تکوین «خود» در چارچوبی قائم به تعامل اجتماعی و متشکل از تصدیق و تطبیق متقابل، هویت خویش را کسب می کند و این فرایندی است که در درون ساختاری برساخته از هنجارهای اجتماع تحقق می یابد (جی دان، ۱۳۸۵: ۱۲۶). مطابق با نظر کولی می توان گفت: هویت یک فرد، همان «خود آیینه سان» اوست که در جریان تعاملات فرد با دیگران شکل می گیرد که این خود آیینه سان، همان «من مفعولی» مورد نظر مید است که بیانگر هویت فرد است. این هویت ضرورتاً اجتماعی است و در جریان تعاملات و ارتباطات اجتماعی شکل گرفته و فرد از آن آگاهی می یابد (قنبری به نقل از علیخانی، ۱۳۸۶: ۳۶۲).

از نظر جنکینز نیز، هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی، بر شباهت تأکید دارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۵). جنکینز هرچند با ارائه «دیالکتیک درونی - بیرونی هویت یابی»

هویت را حاصل دیالکتیک درون و برون و یا فرد و جامعه می‌داند، اما در نهایت معتقد است هویت پدیده‌ای اجتماعی است. به نظراو هویت‌هایی همانند خود بودن (تعریف فرد از خود به عنوان یک شخص منحصر به فرد)، انسان بودن و... در واقع حاصل تعاملات فرد با گروه‌های نخستین، همانند خانواده و همسالان است. هویت‌های ثانویه هویت‌هایی هستند که بیشتر تحت تأثیر تعاملات اجتماعی در قالب گروه‌های ثانویه شکل می‌گیرند. هویت‌های اولیه نسبت به هویت‌های ثانویه در مقابل تغییر و دگرگونی، بسیار نیرومندتر و ارتجاعی‌تر هستند. به نظر جنکینز ساختار و قدرت سیاسی می‌تواند نقش مهمی در تغییر هویتها یا ایجاد آنها داشته باشد (قنبری به نقل از علیخانی، ۱۳۸۶:۳۶۴).

تاجفل بین هویت اجتماعی و عضویت گروهی ارتباط برقرار می‌کند. قضیه کانونی نظریه مقوله‌بندی تاجفل این است که مردم خودشان را بیشتر به عنوان عضو گروه‌های اجتماعی و کمتر به عنوان اشخاص فردی، بیشتر با عنوان هویت اجتماعی و کمتر تحت عنوان هویت فردی طبقه‌بندی و مقوله‌بندی کنند (شیانی، ۱۳۸۹:۵).

اریکسون معتقد است والدین، همسالان و معلمان در توصیف نقشها اهمیتی اساسی دارند و مفهوم خود در نوجوانی مستلزم رها کردن ادراک آینه‌ای خویشتن به سوی هویت مستقل‌تر فردی‌تر است؛ یعنی خود را مانند انعکاسی از والدین، همسالان یا معلمان دیدن (محمودنیا و همکاران، ۱۳۸۸:۲). طبق نظر اریکسون وظیفه اصلی نوجوانی ایجاد حس روشن و پایداری از هویت می‌باشد؛ هویتی که نه تنها با گذشته (کودکی) همانند است بلکه در آینده (بزرگسالی) نیز پایدار و بی همانند است (کریمی، ۱۳۸۹:۹).

در رویکرد مدرن، تعریف هویت به کمک عوامل از قبل موجود طبیعی، روانی یا اجتماعی صورت می‌گیرد. این نظریه‌ها شامل دو مقوله کلی است: نظریه‌های جامعه‌شناسان که هویت را ساخته و پرداخته ظرف زمان و مکان می‌دانند و دیدگاه تعامل‌گرایان نمادین و جامعه‌شناسانی چون گیدنز در این مقوله جای دارد و نظریه‌های روانشناسان اجتماعی که در آنها فرایندهای روانی شخص نقشی ضروری در ساخت و پرداخت هویت اجتماعی او ایفا می‌کند (ساروخانی و رفعت جاه، ۱۳۸۳:۷۴).

در دوران پس از مدرن، تقابل سنت و مدرنیته با دو جهان‌بینی متفاوت، مفهوم جدیدی از هویت را به وجود آورد. به طور کلی منطق پست‌مدرن منطق نفی است نه اثبات. فرامدرن به هویت ثابت اعتقاد ندارد بلکه به کثرت در هویت معتقد است چرا که در دوران فرامدرن خواه ناخواه در شرف تکوین انسان چهل تکه هستیم که دیگر به هویت خاص ویژه تعلق ندارد و چندهویتی است (مهدوی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۷). در رویکرد پسامدرن این اعتقاد وجود دارد که شکل‌گیری و تعریف هویت مستقل از دخالت هرگونه عامل از قبل موجود طبیعی، روانی و اجتماعی صورت می‌گیرد. این رویکرد که با نظریه گفتمانی شناخته می‌شود، عمدتاً متأثر از ادبیات، زبان‌شناسی و معناشناسی است و بر سیال بودن و نسبی و متکثر بودن هویت‌ها تأکید دارد (ساروخانی و رفعت جاهد، ۱۳۸۳: ۷۴).

با توجه به موارد توضیح داده شده، هویت اجتماعی، احساس تعلق و همبستگی به یک جامعه است، به گونه‌ای که عضو یک جامعه از سایر جوامع متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه خود احساس تعهد و تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید، انتظارات جامعه را پاسخ دهد و در مواقع بحرانی، سرنوشت جامعه و غلبه بر بحران برای او مهم باشد (عبدلی، ۱۳۸۶: ۶).

با توجه به مباحث موجود در ارتباط با هویت، می‌توان گفت که هویت شهروندی، هویتی قراردادی و اکتسابی است که در درجه اول با عضویت در واحد سیاسی به نام دولت - ملت حاصل می‌شود و از سوی دیگر، مانند هویت انسانی هیچ‌گونه حیثیتی نمی‌پذیرد و همه افراد را از هر جنس، رنگ، مذهب، نژاد و قومیت به طور یکسان در بر می‌گیرد (توکلی، ۱۳۸۱: ۱۲). در حقیقت، زندگی افراد و هویت آنان به عنوان شهروند، به دلیل بقا و دوام اجتماعی است که در آن زندگی می‌کنند. در این تفکر، هویت شهروندی به معنای عضویت کامل در اجتماع و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد؛ به گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسؤولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و اجتماع را دنبال می‌کنند (رشیدی و

همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲).

از میان هویت‌های چندگانه، موضوع مقاله حاضر به هویت شهروندی و تعاریف و مفاهیم مربوط به آن معطوف است که در طبقه‌بندی هویت‌ها، ذیل هویت اجتماعی قرار می‌گیرد. اساساً هویت شهروندی توسط فرهنگ شهری و خرده‌فرهنگ‌های متعلق به آن در بستر تاریخ و در دل ساختار اجتماعی وسیع‌تری که جامعه را در بر می‌گیرد و در روند تحولات اقتصادی و سیاسی آن شکل می‌گیرد، ایجاد می‌گردد؛ بدین دلیل، نگاه ایستا به شهروندی، و از جمله هویت شهروندی قادر به درک و تحلیل آن نیست. از سوی دیگر، تقویت هویت شهروندی نیازمند آگاهی است. به عبارت دیگر، تثبیت هویت شهروندی نیازمند شناخت از جامعه، حضور فعال در آن و مشارکت و همکاری شهروند در امور مربوط به شهر و شناخته شدن وی به عنوان شهروند فعال است. از نظر دلپاز، آموزش به عنوان پدیدآورنده دانش پایه، مهارت‌ها و نگرش‌ها، تقویت‌کننده وجدان شهروندی و در نتیجه هویت شهروندی است. وی معتقد است وجدان شهروندی معادل اعتقاد راسخ به شهروند بودن است و موضوعاتی چون شناخت حقوق و وظایف شهروندی از جمله وظایف دولت‌ها در شهر است زیرا اگر دولت‌ها با افراد به عنوان شهروند رفتار نمایند، آنان قادر نخواهند بود که وجدان شهروندی را توسعه دهند (De la paz, 2008).

هر شهروند بر حسب موقعیتش در وضعیتی با مشارکت ضعیف، متوسط یا قوی قرار دارد. افرادی که دارای مشارکت ضعیف هستند در واقع همان کسانی هستند که دارای هویت جمعی منفعلند. می‌توان انتظار داشت هرچه بر اثر عوامل مختلف فردی یا محیطی، مشارکت فرد در انجمن و سازمانهای اجتماعی بویژه انجمن و سازمان‌های داوطلبانه افزایش پیدا کند، هویت جمعی وی بیشتر از حالت منفعل فاصله گرفته و به یک هویت جمعی فعال مبدل شود. فرد دارای چنین ویژگی را می‌توان شهروند فعال و نظام شهروندی واجد چنین شهروندانی را نظام شهروندی فعال نامید (قاسمی، ۱۳۸۶: ۳۹۹). به عبارت دیگر، شهروند فعال مشخص‌کننده افرادی است که به طور کامل در تعهدات

عضویت درگیر هستند. این نوع از شهروندی به معنای وفاداری برای خدمت به جامعه، مدرسه، دین و انجمن‌های سیاسی است. یک جامعه سیاسی سالم نیاز به شهروندانی فعال دارد. شهروندی فعالانه با فرد آغاز می‌شود چرا که از طریق اقدامات فرد است که شرایط ساختاری شهروندی بازتولید شده و بهبود می‌یابند. تنها از طریق اعمال فعالانه شهروندی است که تقابل کاذب میان حقوق و مسؤولیت‌ها را می‌توان از بین برد (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۴۱).

بنابراین اگرچه تعاریف متعددی از هویت شهروندی در دست است و هریک بر شاخص‌ها و معیارهایی تأکید می‌کنند اما آنچه در پژوهش حاضر بر آن تأکید می‌گردد، توجه به تعلقات و تعهدات و همچنین دلبستگی‌ها و پیوندهایی است که یک شهروند در درون یک شهر دارد. به عبارت دیگر، هنگامی که از هویت شهروندی به عنوان یک پدیده جمعی یاد می‌شود، به طور قطع شامل ویژگی‌های جمعی‌ای از قبیل احساس همبستگی، احساس تعلق به یک جامعه و علاوه بر آن آگاهی، فداکاری و وفاداری نسبت به آن احساس می‌شود. در این برداشت، شهروندی علاوه بر مشارکت فعال در زندگی سیاسی، در بردارنده انتظاراتی چون وفاداری به جمع، کشور، ملت، دولت و دفاع از میهن، رعایت قوانین و تسامح و مدارا با دیگران و نظایر آن است (Oldfield, 1990). اگرچه در این مقاله بر حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی شهروندان به طور مستقیم تأکید نمی‌شود اما باید توجه داشت که یکی از عوامل ایجاد و تقویت دلبستگی، اعتماد، تعلق و تعهد شهروندان به شهر، احقاق حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی آنهاست؛ هرچند در مقاله حاضر به طور مستقیم بر تعلقات و تعهدات شهروندان، به عنوان معلول احقاق حقوق در شهر، تأکید می‌گردد و نه بر تعهدات و مسؤولیت‌های شهر یا حاکمیت.

جمع‌بندی نظریات

شهروندی به عنوان یک هویت اجتماعی در درون یک بستر شکل می‌گیرد که تاریخ، سنت‌ها، نهادها، عوامل محیطی و جغرافیایی و.. بدان معنا بخشیده و تا زمانی که این عوامل پا برجا باشند، اهمیت فرد را به عنوان یک موضوع محوری در تحلیل هویت

شهروندی حفظ خواهد کرد (محمدی و تبریزی، ۱۳۸۹: ۷۳). همانگونه که قبلاً توضیح داده شد، با وجود اینکه جامعه‌شناسان حوزه شهروندی، طی سده اخیر چشم‌اندازهای گوناگونی از شهروندی ارائه داده‌اند اما جامعه‌شناسان کلاسیک خصوصاً وبر، دورکیم و تونیس قائل به نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی هستند که منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه می‌گردد و نهایتاً به تقویت انسجام و نظم اجتماعی منجر می‌گردد (Turner, 1993).

در نظریات مربوط به هویت نیز متغیرهایی مانند، تعامل و عضویت گروهی (پیوند اجتماعی) و نقش خانواده در نظریات تاجفل، جنکینز، اریک فروم و اریکسون و متغیرهای تعهد و تعلق، در نظریات گیدنز، مید و کولی، تاجفل و استرایکر مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس نظریات ذکر شده می‌توان هویت شهروندی را دارای دو بعد دانست: بعد احساسی؛ یعنی اینکه فردی خود را به عنوان شهروند بداند که ذهنی است و احساس تعلق نامیده می‌شود. به بیان دیگر احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل‌دهنده هویت فرد و دولت است که با ارجاع به مفهوم و مؤلفه‌های شهروندی می‌توان آن را شناسایی کرد و دیگری بعد رفتاری است که رفتار افراد را شامل می‌شود و امری عینی است و مسئولیت و تعهد افراد را شامل می‌شود. تعهد و تعلق اجتماعی با یکدیگر هویت شهروندی را می‌سازند. این دو بعد به واقع از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و آنچنان درهم تنیده شده‌اند که در کل شهروندان یک جامعه را تشکیل می‌دهند. شاخص‌های هر یک از ابعاد در بخش تجربی و کاربردی مقاله آمده است. از سوی دیگر متغیرهای استخراج شده از نظریات مانند: نقش خانواده، تعامل اجتماعی، عضویت گروهی و جنسیت و همسالان نشان می‌دهد که با پیدایش این عوامل می‌توان به مشارکت افراد و اعتماد اجتماعی که نشانی است از شکل‌گیری هویت شهروندی، امیدوار بود.

بر همین اساس، در این مطالعه افزون بر شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده هویت شهروندی،

تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و نگرشی بر آن، مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص گردد چگونه هویت شهروندی در تعامل با دیگر انواع هویت‌های فردی و جمعی، زمینه‌های اجتماعی، اعتماد و احساس تعلق خود را آشکار می‌سازد. مدل نظری طراحی شده، بیانگر روابط پیش‌بینی شده میان هویت شهروندی و دیگر متغیرهاست. بر این اساس می‌توان فرضیات تحقیق را چنین برشمرد:

۱. هویت شهروندی در بافت قدیم و جدید بر حسب متغیرهای جمعیت‌شناختی از قبیل جنس، سن، میزان تحصیلات، نوع شغل و... متفاوت است.
۲. بین هویت شهروندی و اعتماد اجتماعی در بافت قدیم و جدید رابطه وجود دارد.
۳. بین هویت شهروندی و پیوند اجتماعی در بافت قدیم و جدید رابطه وجود دارد.
۴. بین هویت شهروندی و عملکرد خانوادگی در بافت قدیم و جدید رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش پیمایش، برای آشنایی بیشتر با موضوع پژوهش و جامعه آماری و جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری، شهروندان بافت قدیم و جدید شهر کاشان است که تعداد کل آنها در سال ۱۳۹۰، ۲۷۵۳۲۵ نفر بوده است که از این تعداد ۱۳۹۸۶۶ نفر مرد و ۱۳۵۴۵۹ نفر زن می‌باشند. شهر کاشان به دو قسمت بافت قدیم و جدید تقسیم شده است و به دلیل وسعت بیشتر بافت جدید، ۶۰ درصد پرسشنامه به این بافت تعلق گرفته است. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۲۶۰ نفر محاسبه شده است. پس از تعیین حجم نمونه و شیوه قرارگیری بافت قدیم و جدید در نقشه هوایی شهر کاشان مشخص شد، بافت قدیم در وسط شهر قرار دارد و بافت جدید به طور متناسب در اطراف آن گسترش یافته است؛ بنابراین شهر کاشان را به چهار قسمت تقسیم کرده و به شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای، نمونه‌ها از جامعه آماری انتخاب و از طریق پرسشنامه تکمیل شده است.

اعتبار و پایایی پرسشنامه

برای بالا بردن قابلیت اعتبار تحقیق از اعتبار صوری و سازه استفاده شده است. به همین منظور در زمینه اعتبار صوری، از پرسشنامه‌های تحقیقات پیشین که توسط پژوهشگران قبلی در زمینه تحقیقی مورد نظر طراحی گردیده و همچنین از نظر متخصصان جامعه‌شناسی استفاده شده است و در زمینه اعتبار سازه پرسش‌نامه برگرفته از مدل نظری تحقیق و مدل نظری نیز برگرفته از چارچوب نظری تحقیق می‌باشد. همچنین بسیاری از نتایج تحقیق با مدل نظری تحقیق مطابقت می‌کند.

در محاسبه پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ کمک گرفته شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای اعتماد اجتماعی برابر (۰/۷۱)، برای تعلق اجتماعی (۰/۷۵)، برای تعهد اجتماعی (۰/۷۰)، برای پیوند اجتماعی (۰/۸۲) و برای عملکرد اجتماعی (۰/۶۸) محاسبه شده است.

یافته‌های تحقیق

از میان جمعیت نمونه، در بافت قدیم، ۶۴ نفر (۶۱/۵) را مردان و ۴۰ نفر (۳۸/۵) را زنان و در بافت جدید ۹۴ نفر (۶۰/۳) را مردان و ۶۲ نفر (۳۹/۷) را زنان تشکیل داده‌اند. میانگین سنی افراد در بافت قدیم ۳۵ سال و در بافت جدید ۳۱ سال بوده است. در بافت قدیم، مجردان ۳۳ نفر (۳۱/۷)، و متأهلان ۷۱ نفر (۶۸/۳) و در بافت جدید ۴۲ نفر (۲۶/۹) مجرد و ۱۱۴ نفر (۷۳/۱) متأهل تشکیل داده‌اند. در هر دو بافت بیشترین درصد (۴۰ درصد) میزان تحصیلات را دیپلمه‌ها و در هر دو بافت بیشترین درصد شغل را مشاغل آزاد با ۶۰ درصد تشکیل داده‌اند.

۱- توصیف مفاهیم اصلی تحقیق

هویت شهروندی دارای دو بعد تعلق و تعهد به شهر می‌باشد که تعهد اجتماعی، بعد رفتاری و تعلق اجتماعی، بعد احساسی را در بر می‌گیرد که در قالب یک طیف ۴ قسمتی مورد پرسش قرار گرفته است که در جداول زیر به طور جداگانه (نخست تعلق و سپس تعهد اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱- توصیف شاخص‌های تعلق اجتماعی

جدول (۱) توصیف متغیر تعلق اجتماعی بر حسب فراوانی و درصد

سؤالات	محل سکونت	فراوانی و درصد	موافقم	تاحدی موافقم	تاحدی مخالفم	مخالفم
از هر لحاظ فکر می‌کنم هیچ شهری برایمانند کاشان نیست.	بافت جدید	فراوانی	۶۶	۴۹	۲۰	۲۰
	بافت قدیم	درصد	۴۲.۳	۳۱.۴	۱۲.۸	۱۲.۸
		فراوانی	۴۳	۲۶	۱۵	۲۰
اگر همزمان در شهر خودم و در شهر دیگر در رابطه با حرفه شغلی‌ام نیاز به کمک باشد ترجیح می‌دهم به مردم شهر خودم کمک کنم.	بافت جدید	فراوانی	۹۸	۳۳	۱۶	۹
	بافت قدیم	درصد	۶۲.۸	۲۱.۲	۱۰.۳	۵.۸
		فراوانی	۶۸	۲۴	۵	۷
از گردش در شهر و فضاهای تفریحاتی شهر کاشان لذت می‌برم.	بافت جدید	فراوانی	۵۱	۵۶	۱۸	۳۱
	بافت قدیم	درصد	۳۲.۷	۳۵.۹	۱۱.۵	۱۹.۹
		فراوانی	۲۸	۴۶	۱۲	۱۸
برای خرید ترجیح می‌دهم در شهر خودم خرید کنم تا به رونق اقتصادی شهر نیز کمکی کرده باشم.	بافت جدید	فراوانی	۵۸	۵۵	۲۴	۱۹
	بافت قدیم	درصد	۳۷.۲	۳۵.۳	۱۵.۴	۱۲.۲
		فراوانی	۴۳	۳۸	۸	۱۵
حتی اگر برای ادامه تحصیل به شهر دیگری بروم، در نهایت به کاشان برمی‌گردم.	بافت جدید	فراوانی	۸۶	۳۸	۱۴	۱۸
	بافت قدیم	درصد	۵۵.۱	۲۴.۴	۹.۰	۱۱.۵
		فراوانی	۶۵	۲۱	۷	۱۱
به آداب و رسوم شهر خود احترام می‌گذارم و خود را مقید به انجام آن می‌دانم.	بافت جدید	فراوانی	۸۶	۵۰	۱۰	۱۰
	بافت قدیم	درصد	۵۵.۱	۳۲.۱	۶.۴	۶.۴
		فراوانی	۷۰	۲۵	۶	۳
حاضرم در شهر خودم سرمایه‌گذاری کنم حتی اگر سرمایه‌گذاری در شهر دیگر سود بیشتری داشته باشد.	بافت جدید	فراوانی	۶۴	۴۵	۱۶	۳۱
	بافت قدیم	درصد	۴۱.۰	۲۸.۸	۱۰.۳	۱۹.۹
		فراوانی	۵۷	۲۰	۸	۱۹
اگر فردی به شهر و مردم شهرم توهین کند، فوراً واکنش نشان می‌دهم و به شهر کاشان و مردم آن افتخار می‌کنم.	بافت جدید	فراوانی	۸۹	۴۸	۱۲	۷
	بافت قدیم	درصد	۵۷.۱	۳۰.۸	۷.۷	۴.۵
		فراوانی	۷۳	۱۹	۳	۹
	درصد	۷۰.۲	۱۸.۳	۲.۹	۸.۷	

جدول بالا نشان می‌دهد در گویه اول در بافت جدید ۴۲/۳ درصد، با گویه موافق و ۱۲/۸ درصد مخالف و در بافت قدیم ۴۱/۳ درصد موافق و ۱۹/۲ درصد مخالفند. در گویه دوم در بافت قدیم ۶۵/۴ درصد و در بافت جدید ۶۲/۸ درصد با گویه مورد نظر موافق بوده‌اند. در گویه سوم (از گردش در شهر و فضاهای تفریحاتی شهر کاشان لذت می‌برم) ۳۲/۷ درصد در بافت جدید و ۲۶/۹ درصد در بافت قدیم موافق بوده‌اند. در گویه چهارم بافت قدیم ۴۱ درصد و در بافت جدید ۳۷ درصد با این گویه موافق بوده‌اند، در گویه پنجم مردم بافت قدیم دارای هویت بالاتری نسبت به مردم بافت جدید بوده‌اند و در گویه ششم در بافت قدیم مردم احترام بیشتری به آداب و رسوم خود می‌گذارند. در دو گویه آخر نیز بافت قدیم دارای درصد تعلق بالاتری نسبت به بافت جدید بوده است و با درصد بیشتری میزان موافقت خود را با گویه‌های مورد نظر اعلام داشته است.

۱-۲- توصیف شاخص‌های تعهد اجتماعی

تعهد اجتماعی که مانند تعلق اجتماعی از ابعاد هویت شهروندی است به ۴ دسته موافق تا مخالف تقسیم شده است.

جدول (۲) توصیف متغیر تعهد اجتماعی بر حسب فراوانی و درصد

متغیر	محل سکونت	فراوانی و درصد	موافقم	تاحدی موافقم	تاحدی مخالفم	مخالفم
اگر شهرداری برای آسفالت یا جدول‌کشی خیابان تقاضای خودیاری کند و پرداخت آن اختیاری باشد با کمال میل آن را پرداخت می‌کنم.	بافت جدید	فراوانی ۲۴ درصد	۴۵	۱۸	۶۹	
	بافت قدیم	فراوانی ۱۲ درصد	۳۳	۱۳	۴۶	
خود را موظف می‌دانم سرساعت تعیین شده زباله‌هایم را بیرون بگذارم و به دیگران نیز یادآوری می‌کنم.	بافت جدید	فراوانی ۱۰۷ درصد	۳۸	۴	۶	
	بافت قدیم	فراوانی ۷۵ درصد	۲۳	۴	۲	
اگر قسمتی از شهر دچار تخریب یا مشکل شده باشد سریعاً به مسئولان اطلاع می‌دهم.	بافت جدید	فراوانی ۸۱ درصد	۴۳	۱۶	۱۶	
	بافت قدیم	فراوانی ۴۷ درصد	۳۷	۱۰	۱۰	
			۲۲.۱	۳.۸	۱.۹	
			۷۲.۱	۲۲.۱	۹.۶	
			۵۱.۹	۲۷.۶	۱۰.۳	
			۴۵.۲	۳۵.۶	۹.۶	

هویت شهروندی در بافت قدیم و جدید شهر کاشان / ۱۴۱

۱۳	۷	۳۸	۹۸	فراوانی	بافت جدید	اگر کسی در پارک یا خیابان زیاده بریزد به او گوشزد می‌کنم.
۸.۳	۴.۵	۲۴.۴	۶۲.۸	درصد		
۱۲	۱۰	۲۹	۵۳	فراوانی	بافت قدیم	در مواقعی که نیازی به وسیله شخصی نیست برای جلوگیری از آلودگی و ترافیک از وسیله عمومی و تاکسی استفاده می‌کنم.
۱۱.۵	۹.۶	۲۷.۹	۵۱.۱۰	درصد		
۱۷	۱۱	۳۲	۹۶	فراوانی	بافت جدید	در مواقعی که نیازی به وسیله شخصی نیست برای جلوگیری از آلودگی و ترافیک از وسیله عمومی و تاکسی استفاده می‌کنم.
۱۰.۹	۷.۱	۲۰.۵	۶۱.۵	درصد		
۸	۴	۳۵	۵۷	فراوانی	بافت قدیم	در مواقعی که نیازی به وسیله شخصی نیست برای جلوگیری از آلودگی و ترافیک از وسیله عمومی و تاکسی استفاده می‌کنم.
۷.۷	۳.۸	۳۳.۷	۵۴.۸	درصد		

همانگونه جدول بالا نشان می‌دهد غیر از گویه دوم که در بافت جدید میزان موافقت بیشتر از بافت قدیم است، در سایر گویه‌ها میزان موافقت در بافت جدید بیشتر از بافت قدیم است و به نظر می‌رسد که در بافت جدید تعهد اجتماعی بیشتر از بافت قدیم است، همانگونه که در بافت قدیم تعلق اجتماعی بیشتر از بافت جدید نشان داده می‌شود. این نتیجه در جدول شماره ۳ نیز به خوبی مشاهده می‌شود.

۳-۱- توصیف هریک از مفاهیم و ابعاد مورد بررسی در پژوهش

جدول شماره (۳) میانگین مفاهیم و ابعاد مورد استفاده در تحقیق

متغیر	محل سکونت	میانگین	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	انحراف معیار
تعلق اجتماعی (بعد اول هویت شهروندی)	بافت جدید	۲۵/۱۲	۸	۳۲	۵/۱۳
	بافت قدیم	۲۵/۷۲	۸	۳۲	۵/۱۰
تعهد اجتماعی (بعد دوم هویت شهروندی)	بافت جدید	۱۵/۸۹	۵	۲۰	۲/۸۵
	بافت قدیم	۱۵/۵۸	۷	۲۰	۲/۷۹
هویت شهروندی (مجموع دو بعد تعلق و تعهد)	بافت جدید	۴۰/۷۹	۲۲	۵۲	۶/۸۸
	بافت قدیم	۴۱/۱۷	۱۵	۵۰	۶/۹۰
پیوند اجتماعی	بافت جدید	۲۳/۶۴	۱۰	۳۲	۵/۲۱
	بافت قدیم	۲۳/۸۵	۱۱	۳۲	۴/۷۸
اعتماد اجتماعی	بافت جدید	۳۴/۴۲	۱۰	۵۲	۷/۵۸
	بافت قدیم	۳۴/۸۰	۱۶	۵۱	۸/۰۵
عملکرد خانوادگی	بافت جدید	۲۹/۲	۲۰	۳۶	۳/۵۷
	بافت قدیم	۲۸/۶	۱۶	۳۵	۳/۶۲

از جمع شاخص‌های اندازه‌گیری متغیرهای مورد بررسی در تحقیق، جدول بالا به دست آمده، به طوری که میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین مقدار مشخص گردیده است. اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد که به لحاظ توصیفی، میانگین هویت شهروندی - که از مجموع دو بعد تعهد اجتماعی و تعلق اجتماعی به دست آمده است - در بافت قدیم بیشتر از بافت جدید است؛ اگرچه میانگین تعهد اجتماعی در بافت جدید بیشتر از بافت قدیم است میانگین پیوند اجتماعی و اعتماد اجتماعی در بافت قدیم بیشتر از بافت جدید است. به نظر می‌رسد به دلیل قدمت سکونت و آشنا بودن افراد با یکدیگر در بافت قدیم و مهاجر بودن بافت جدید و عدم شناخت آنها از یکدیگر، پیوند اجتماعی و اعتماد اجتماعی در بافت جدید، در سطح پایین‌تری است؛ اما میانگین عملکرد خانوادگی در راستای فرهنگ‌سازی شهروندی در بین افراد بافت جدید بیشتر از قدیم است.

۲- آزمون فرضیات

۲-۱- رابطه سن و هویت شهروندی

جدول شماره (۴) رابطه بین سن و هویت شهروندی

متغیر	محل سکونت	تعداد	میزان r	سطح معناداری (sig)	میانگین هویت شهروندی	انحراف معیار
سن	بافت جدید	143	0/226**	0/00	40/79	6/88
	بافت قدیم	97	0/306**	0/00	41/17	6/90

سطح معناداری ۰/۰۰ در جدول شماره (۴) نشان می‌دهد فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه‌ای میان سن و هویت شهروندی در هر دو بافت تأیید می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون نیز برابر با ($0/226^{**}$ و $0/306^{**}$) می‌باشد که حاکی از رابطه مثبت میان سن و هویت شهروندی در هر دو بافت است. به عبارتی با افزایش سن، هویت شهروندی نیز افزایش می‌یابد و برعکس. همچنین مقادیر نشان می‌دهند که شدت همبستگی در بافت قدیم بیشتر از بافت جدید است.

۲-۲-رابطه وضعیت تأهل و هویت شهروندی

بر اساس نتایج جدول شماره (۵) بین وضعیت تأهل و هویت شهروندی در هر دو بافت رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۵) رابطه بین هویت شهروندی در بافت قدیم و جدید برحسب وضعیت تأهل

متغیر	محل سکونت	وضعیت تأهل	تعداد	واریانس	میانگین هویت شهروندی	انحراف معیار	ارزش T	سطح معناداری sig
هویت شهروندی	بافت جدید	مجرد	۴۲	مساوی	۳۸/۴۸	۷/۰۳	-۲/۶۰	۰/۰۱
	بافت قدیم	متأهل	۱۱۴		۴۱/۶۵	۶/۶۵		
هویت شهروندی	بافت جدید	مجرد	۴۴	نامساوی	۳۸/۷۳	۹/۱۷	-۲/۰۹	۰/۰۴
	بافت قدیم	متأهل	۷۱		۴۲/۳۱	۵/۲۳		

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که (سطح معناداری ۰/۰۱ و ۰/۰۴) رابطه بین دو متغیر معنادار است و فرضیه مبنی بر وجود رابطه بین وضعیت تأهل و هویت شهروندی تأیید می‌شود و میانگین دو گروه (مجرد و متأهل) تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و در کل، در هر دو بافت میانگین هویت شهروندی متأهلان بیشتر از مجردان است و می‌تواند به این دلیل باشد که متأهل‌ها پایبندی بیشتری به شهر دارند.

۲-۳-رابطه تحصیلات و هویت شهروندی

جدول شماره (۶) رابطه بین میزان تحصیلات و هویت شهروندی

متغیر	محل سکونت	تعداد	میزان r	سطح معناداری (sig)	میانگین هویت شهروندی	انحراف معیار
تحصیلات	بافت جدید	156	-0/292**	0/00	40/79	6/88
	بافت قدیم	104	-0/135	0/01	41/17	6/90

منطبق با جدول شماره (۶) بین تحصیلات و هویت شهروندی در بافت جدید و قدیم رابطه منفی وجود دارد و با افزایش تحصیلات از هویت شهروندی کاسته می‌شود و شدت آن در بافت جدید بیشتر است که می‌تواند به این دلیل باشد که با افزایش تحصیلات، مشغله افراد

بیشتر و رابطه آنها با مردم شهر کمتر می‌شود از سوی دیگر انتظارات آنها در کسب شغل بالاتر می‌رود و تمایل بیشتری به مهاجرت از شهر پیدا می‌کنند.

۲-۴- رابطه نوع شغل و هویت شهروندی

جدول شماره (۷) رابطه بین نوع شغل و هویت شهروندی در بافت قدیم و جدید

متغیر	محل سکونت	آزمون F	سطح معناداری sig	مربعات خطای بین گروه‌ها	مربعات خطای درون گروهی	آزمون لون همگنی واریانس‌ها	سطح معناداری sig
هویت شهروندی	بافت جدید	۰/۰۵	۰/۹	۷/۲۶	۷۲۲۱/۴	۰/۵۳	۰/۶
	بافت قدیم	۱/۳۹	۰/۲	۲۰۱/۰	۴۷۰۲/۴	۳/۴۱	۰/۰۲

نتایج به دست آمده در جدول شماره (۷) (سطح معناداری آزمون F بزرگتر از ۰.۰۵) نشان می‌دهد که در بافت جدید بین میانگین‌های متغیر هویت شهروندی در ۴ گروه متغیر نوع شغل، اختلاف معناداری وجود ندارد؛ اما سطح معناداری (۰/۰۲) در بافت قدیم نشان از وجود تفاوت معنادار در هویت شهروندی برحسب نوع شغل در بافت قدیم است. جدول زیر این تفاوت‌ها را به وضوح نشان می‌دهد.

جدول شماره (۸) توزیع شغل بر حسب محل سکونت

متغیر	محل سکونت	شغل	تعداد N	Subset for alpha = 0/05
هویت شهروندی	بافت جدید	دولتی	۱۶	۴۰/۱۹
		بیکار	۴۱	۴۰/۶۳
		آزاد	۸۴	۴۰/۷۵
		بازنشسته	۱۳	۴۱/۱۵
	Sig			۰/۶
	بافت قدیم	دولتی	۱۰	۴۳/۸۰
		بیکار	۲۷	۴۱/۵۶
		آزاد	۶۰	۴۰/۲۲
بازنشسته		۵	۴۵/۰۰	
Sig			۰/۰۲	

همانگونه که در جدول شماره (۸) مشاهده می‌شود در بین مشاغل، بالاترین میانگین هویت شهروندی را مشاغل بازنشسته و پایین‌ترین میانگین را مشاغل آزاد داشته‌اند چرا که بازنشسته به دلیل نداشتن مشغله کاری، فرصت بیشتری را برای مشارکت و همکاری در امور شهری دارد. نتایج نشان می‌دهد میانگین هویت شهروندی در بین بازنشسته‌ها در بافت قدیم بیشتر از بافت جدید بوده است و مشاغل دیگر در بافت قدیم نیز میانگین هویت شهروندی بالاتری را نسبت به بافت جدید داشته‌اند.

۲-۵- رابطه پیوند اجتماعی، اعتماد اجتماعی و عملکرد خانوادگی و هویت شهروندی
جدول شماره (۹) رابطه بین مفاهیم و هویت شهروندی

متغیر	محل سکونت	تعداد	میزان r	سطح معناداری (sig)
پیوند اجتماعی	بافت جدید	156	0/437**	0/00
	بافت قدیم	104	0/463**	0/00
اعتماد اجتماعی	بافت جدید	156	0/223**	0/00
	بافت قدیم	104	0/198*	0/04
عملکرد خانوادگی	بافت جدید	156	0/095	0/23
	بافت قدیم	104	0/235*	0/01

همانطور که در جدول شماره (۹) مشاهده می‌شود متغیر پیوند اجتماعی و اعتماد اجتماعی در هر دو بافت با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تأیید شده است؛ در نتیجه فرضیه‌های تحقیق مبنی بر رابطه میان پیوند اجتماعی و اعتماد اجتماعی با هویت شهروندی در هر دو بافت تأیید می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون نیز نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد، بین پیوند اجتماعی و اعتماد اجتماعی با هویت شهروندی رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد و با بالا رفتن پیوند اجتماعی و اعتماد اجتماعی، هویت شهروندی در هر دو بافت افزایش می‌یابد.

نتایج عملکرد خانوادگی، (سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵) در بافت جدید نشان می‌دهد فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه میان عملکرد خانوادگی و هویت شهروندی در بافت جدید

رد می‌شود و در بافت قدیم (سطح معناداری ۰/۰۱) فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه میان عملکرد خانوادگی و هویت شهروندی در بافت قدیم تأیید می‌شود. ضریب همبستگی پیرسون نیز ۰/۲۳۵ است یعنی بین عملکرد خانوادگی و هویت شهروندی با سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد، رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد.

۲-۶- تحلیل چندمتغیره

جدول شماره (۱۰) رابطه بین هویت شهروندی و مفاهیم در بافت قدیم و جدید

محل سکونت	متغیر		ضریب تعدیل شده R2	ضریب بتا	مقدار تی	معناداری
	متغیر وابسته	متغیر مستقل				
بافت جدید	هویت شهروندی	پیوند اجتماعی	۰.۲۶	۰.۴۳۷	۶.۰۳۱	۰.۰۰
		تحصیلات		-۰.۲۶۷	-۳.۷۱۱	۰.۰۰
بافت قدیم	هویت شهروندی	پیوند اجتماعی	۰.۲۱	۰.۴۶۳	۵.۲۷۸	۰.۰۰

تحلیل رگرسیونی جدول شماره (۱۰) در بافت جدید نشان می‌دهد، دو متغیر پیوند اجتماعی و تحصیلات توانسته‌اند ۲۶ درصد از تغییرات متغیر هویت شهروندی را تبیین کنند؛ بیشترین تأثیر را پیوند اجتماعی بر هویت شهروندی دارد. همچنین در بافت قدیم متغیر پیوند اجتماعی به تنهایی، ۲۱ درصد از تغییرات هویت شهروندی در بافت قدیم را تبیین می‌کند و مقدار بتا نشان می‌دهد متغیر پیوند اجتماعی در بافت قدیم از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده است.

نتیجه‌گیری:

سخن گفتن از شهروندی، حقوق و تکالیف و... به معنای سخن گفتن از هویت است. اگر برای فرد جایگاه و ویژگی‌هایی تعریف شود که تنها در مقایسه با دیگران و در ارتباط با آنها معنا یابد، هویت اجتماعی وی تعریف شده است. در بطن مفهوم هویت شهروندی، نوعی تعلق و تعهد نسبت به شهر وجود دارد که به آن جنبه اجتماعی برمی‌گردد. بدیهی است شکل‌گیری هویت شهروندی، علاوه بر شرایط فردی نیازمند بستر اجتماعی، ارزشها، هنجارها و نحوه عملکرد خانواده‌هاست.

بافت‌های تاریخی به عنوان هویت و تبلور فرهنگ شهر مطرح می‌شوند و شکل‌گیری و

ارتقای هویت شهروندی بدون توجه به تفاوت‌های تاریخی شهر امکان‌پذیر نیست. چه بسا در مواردی تفاوت‌های تاریخی، تفاوت‌های شخصیتی را نیز به دنبال دارد. موضوعاتی چون اعتماد اجتماعی، پیوند اجتماعی، عملکرد خانوادگی، تحصیلات و وضعیت بومی محلی از جمله مفاهیمی هستند که تغییرات هویت شهروندی را می‌توانند توجیه کنند.

بر اساس نتایج پژوهش، عملکرد خانواده‌ها و زندگی در کنار دیگران و مشارکت در عرصه‌های عمومی و خصوصی، ویژگی‌های رفتاری خاصی به جامعه می‌بخشد که شکل‌گیری هویت شهروندی را تحت تأثیر قرار داده و باعث کاهش یا افزایش آن می‌گردد. از این‌روی هرچه پیوند اجتماعی بین افراد که همان مشارکت و همبستگی است بیشتر شود، هویت شهروندی بیشتر می‌شود. اعتماد اجتماعی نیز رابطه مثبتی با هویت شهروندی دارند؛ بدین معنا که هرچه اعتماد بین افراد و مؤسسات اعم از خصوصی و دولتی بیشتر شود، هویت شهروندی نیز بیشتر می‌شود و مردم نسبت به شهر خود احساس تعلق و تعهد بیشتری پیدا می‌کنند. در این میان نقش خانواده‌ها را در افزایش هویت شهروندی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ افراد در خانواده‌ها شیوه‌های مشارکت و احترام به حقوق دیگری و نحوه ورود به جامعه را یاد می‌گیرند. همچنین تحصیلات در بافت جدید و قدیم دارای همبستگی منفی با هویت شهروندی است و با افزایش آن میزان تعلق و تعهد فرد نسبت به شهر کاهش می‌یابد و این شدت در بافت جدید بیشتر است.

در بافت قدیم به دلیل قدمت سکونت و داشتن آشنایی‌های طولانی‌مدت، هویت شهروندی در سطح بالاتری نسبت به بافت جدید بوده است و متغیرهایی مانند اعتماد اجتماعی و پیوند اجتماعی خود را بیشتر نشان داده‌اند. از آنجا که بالا رفتن سن باعث افزایش هویت شهروندی می‌شود، می‌توان با ارتباط برقرار کردن بین نسل‌های سنی متفاوت، زمینه‌های پیدایش مشارکت را در بین جوانان بالاتر برد. هرچقدر شاخص‌های هویت شهروندی در یک جامعه بیشتر رشد کند زمینه مشارکت در فعالیت‌های مختلف فراهم می‌شود.

فهرست منابع:

- ابراهیم زاده، عیسی و نگهبان مروی، محمد. (۱۳۸۵)، «تحلیلی بر شهرنشینی و جایگاه شهرهای جدید در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۵، ص ۱۵۲.
- ابوالحسنی، سیدرضا. (۱۳۸۶)، «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و سیاست، دانشگاه تهران، صص ۱ تا ۲۲.
- اسکافی، مریم. (۱۳۸۵)، «بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم، صص ۱-۳۳.
- امانیان، ابوالفضل و هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۰)، «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، مطالعات و پژوهش‌های شهری، سال سوم، شماره نهم.
- باقریان، امیر. (۱۳۹۰)، رسانه‌ها، زندگی شهری و حقوق شهروندان، کتاب سمینار رسانه و آموزش شهروندی، تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری تبلور اندیشه نو.
- توکلی، فرحناز. (۱۳۸۱)، هویت شهروندی؛ حقوق و تکالیف، ماهنامه شهرداریها، شماره ۴۴.
- جی دان، رابرت. (۱۳۸۵)، نقد اجتماعی پست مدرنیته، ترجمه صالح نجفی، تهران: شرکت نشر و پژوهش.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- خراسانی، ابوالقاسم. (۱۳۷۶)، «تأثیر ایجاد شهرهای جدید در روند شهرنشینی و توزیع جمعیت»، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی.
- داوودپور، زهره و داریوش، اردلان. (۱۳۸۴)، «بررسی سیر تحولات در نظریه‌های شهرسازی»، فصلنامه آمایش محیط، شماره یک.
- رشیدی، جمال و همکاران. (۱۳۹۱)، هویت شهروندی و راهکارهای ارتقای آن در شهر تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، تهران: انتشارات مدیریت فناوری اطلاعات و مرکز اسناد.
- ساروخانی، باقرو رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۳) «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان»، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۱، صص ۹۱-۷۱.
- شیانی، ملیحه و محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۹)، «عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر

- تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۸۸-۶۵.
- صنیع اجلال، محمود. (۱۳۸۴)، «درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، مؤسسه مطالعات ملی، سال هفتم.
 - عبدلی، ولی. (۱۳۸۶)، تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
 - علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۶)، مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
 - فالکس، کیث. (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
 - قاسمی اصفهانی، مروارید. (۱۳۸۳)، اهل کجاستیم؟ هویت بخشی به بافت‌های مسکونی، تهران: انتشارات روزنه.
 - قاسمی، وحید. (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، شماره هفتم، صص ۱۳۶-۱۱۳.
 - کاستلز، استفان و دیویدسون، السیتر. (۱۳۸۲)، مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 - کریمی، حسن. (۱۳۸۹)، رسانه و آموزش شهروندی، کتاب سمینار رسانه و آموزش شهروندی، تهران: مؤسسه فرهنگی-هنری تبلور اندیشه نو.
 - گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱)، جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی
 - محمدی، جمال و تبریزی، نازنین. (۱۳۸۹)، سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، شماره اول.
 - محمودنیا، علیرضا و دیگران. (۱۳۸۸)، «مقایسه کیفیت رابطه والد - فرزند در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت»، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال سوم، شماره ۲، صص ۸۲-۹۳.
 - مهدوی نژاد، محمد جواد و دیگران. (۱۳۸۹)، «هویت معماری؛ تبیین هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن»، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷.
 - نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۸)، «هویت شهروندی مجازی فرصت‌های اینترنتی ممکن و آینده‌های مجازی محتمل»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۷، ص ۹۷.
 - De la paz, Gabriel (2008), Citizenship Identity and Social Inequality.

- [www. Civiced.org/pdfs/delapaz gabried](http://www.Civiced.org/pdfs/delapaz_gabried)
- Isin, Engin f. and Patriciak.wood (1999), *Citizenship and Identity*.london, sage
- Oldfield, A. (1990), *Citizenship: An unnatural practice?* In B.S.turner and P.Hamilton (ed) *citizenship critical concepts*, London: Routledge
- Turner, B.S(ed). (1993), *Citizenship and social theory*. sage

Archive of SID